

دکتر صادق سلیمی*

قاجاق اشخاص به عنوان یک جنایت سازمان یافته فراملی

چکیده:

جنایات سازمان یافته فراملی از مهم ترین معضلات جامعه بین المللی در قرن بیست و یکم محسوب می شوند. این جنایات توسط گروه های جنایی سازمان یافته که واجد سه عضو یا بیشتر، وحدت فرماندهی، نظم شدید با ضمانت اجرایی بی رحمانه و اهداف مالی و مادی هستند، ارتکاب می یابند. به خاطر منافع سرشار قاجاق به ویژه زنان و کودکان به منظور سوء استفاده های جنسی و سایر سوء استفاده ها، گروه های جنایی به ارتکاب این جنایت روی آورده اند. ارتکاب این جنایت موجب نقض حقوق بشری و ترویج فحشاء می شود. جامعه بین المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد به منظور ایجاد هماهنگی و همکاری در مبارزه با این جنایات میان دولت ها، در اواخر قرن بیستم اقدام به تدوین کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی» همراه با دو پروتکل کرده که در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) برای اعضای دولت ها مفتوح گردید. پروتکل اول تحت عنوان «پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاجاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مکمل کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی» در این راستا تنظیم شده که در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد. مندرجات پروتکل - همچون خود کنوانسیون - انعطاف پذیر هستند تا حاکمیت و اصول حقوق ملی دولت ها نقض نشود. از این رو تصویب آن در ایران قابل توصیه است و ایران نیز نیاز به وضع قوانین متناسب نیز دارد.

واژگان کلیدی:

قاجاق اشخاص، قاجاق زنان و کودکان، جنایت سازمان یافته، جرم فراملی.

۱- کلیات

قاچاق زنان و کودکان که غالباً به منظور بهره‌برداری جنسی صورت می‌گیرد، یکی از جنایات سازمان یافته فراملی حائز آثار اخلاقی و اجتماعی قابل توجهی بوده و از رشد تکان دهنده‌ای برخوردار است.

دخالت گروه‌های جنایتکار و سازمان یافته بودن ارتکاب این جنایات، مبارزه با آنها را برای دولت‌های منفرد غیرممکن می‌کند. گروه‌های جنایی سازمان یافته حداقل دارای سه عضو بوده و معمولاً دارای سلسله مراتب، یک رئیس، تقسیم کار و نظم شدید همراه با ضمانت اجراهای بی‌رحمانه هستند. برای انجام مأموریت و نیل به هدف خود به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند؛ ابتدا سعی می‌کنند از طریق افساد موانع را برطرف کنند و معمولاً در ارکان مختلف حکومتی و نهادهای عمومی نفوذ می‌کنند. در صورت عدم توفیق، توسل به خشونت و حذف فیزیکی مأمورین سرسخت امری متداول محسوب می‌شود. هدف غایی این گروه‌ها تحصیل نفع مالی و مادی است که مهم‌ترین وجه تمایز این نوع فعالیت‌ها از فعالیت‌های تروریستی است.

فعالیت گروه‌های جنایی سازمان یافته شامل موارد گسترده‌ای از قبیل قاچاق موادمخدر، سرقت و قاچاق آثار فرهنگی، هنری و تاریخی، قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان به منظور سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی، تجارت و قاچاق اعضای بدن انسان، قاچاق مهاجران، قتل‌های قراردادی، تطهیر پول، تولید غیرقانونی و قاچاق تسلیحات گرم، چاپ اسکناس تقلبی و قاچاق ارز و به‌طور کلی هر نوع فعالیت ممنوعه سودآوری می‌شود.

حسب برخی اظهارنظرها، قاچاق اشخاص امروزه در میان انواع مصادیق جنایت سازمان یافته؛ سریع‌ترین رشد را دارد و توسط شبکه‌های ناشناخته که گوی سبقت را از سندیکا‌های جنایتکارانه سنتی ربوده‌اند، اداره می‌شود. یک جامعه شناس ایتالیایی^۱ اظهار داشته است که ارزیابی‌های مستند نشان می‌دهند بیش از ۲۰۰ میلیون نفر به نحوی در سلطه یا اختیار قاچاقچیان انسان هستند. وی ابراز می‌دارد چهار قرن برده‌داری منجر به بردگی ۱۱/۵ میلیون نفر آفریقایی شد، ولی در دهه گذشته بیش از ۳۰ میلیون زن و کودک از آسیای جنوب شرقی به

مقاصد جنسی و کار سخت قاچاق شده‌اند. (Crossette, 2000)

این عمل جنایتکارانه بیشترین و سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه تعداد افرادی که در این امر دخیل هستند قابل توجه است، منافی که عاید سازمان‌های جنایتکارانه می‌گردد فراوان است و ماهیت این جرایم چندمنظوره است. زیرا فعالیت آنان فقط به بهره‌برداری جنسی محدود نمی‌شود؛ بلکه جنبه اقتصادی داشته و حتی به نوعی برده‌داری کلاسیک نیز وجود دارد. (Crossette, 2000)

در ارتکاب این جنایت افراد بشری به ویژه زنان و کودکان موضوع جنایت ارتكابی بوده و مستقیماً از جنایات ارتكابی متضرر می‌شوند. این عنوان جنایی با وجود تشابه زیادی که با «قاچاق مهاجران» دارد، متفاوت از آن است و نباید این دورا با هم اشتباه گرفت. مهم‌ترین وجوه تشابه این دو جنایت را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: الف) موضوع هر دو جنایت افراد بشر می‌باشند؛ ب) در هر دو مورد افراد از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته قاچاق می‌شوند؛ ج) با توجه به اینکه هر دو مورد از مصادیق جنایات سازمان یافته فراملی می‌باشند لذا خصایص اساسی این جنایات را دارند یعنی ماهیتاً فراملی هستند (قاچاق افراد از منطقه‌ای به منطقه دیگر در داخل مرزهای یک کشور از شمول این عناوین مجرمانه موضوعاً خارج است)، به منظور تحصیل منفعت مادی ارتكاب می‌یابند و توسط گروه‌های سازمان یافته جنایی ارتكاب می‌یابند.

وجوه تمایز این دو پدیده مجرمانه را می‌توان این‌گونه بیان کرد: الف) در قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان افراد مورد قاچاق موضوع جنایت بعدی هستند و قاچاق آنان وسیله‌ای برای درآمدهای آتی محسوب می‌گردد؛ یعنی این اشخاص قاچاق می‌شوند تا بعداً در جاهایی مثل مراکز فحشاء مورد بهره‌برداری قرار گیرند و به صرف گذراندن نامبردگان از مرز اصولاً چیزی عاید جنایتکاران نمی‌شود در حالی که در قاچاق مهاجران گذراندن غیرقانونی از مرزها خود در مواردی هدف غایی محسوب می‌شود و قاچاقچیان منفعت موردنظر خود را از مهاجران دریافت می‌کنند. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت قاچاق مهاجران موضوعیت داشته و خود هدف جرم است در حالی که قاچاق اشخاص طریقت دارد و وسیله جلب منفعت در آینده است. البته در مواردی که از مهاجران بیگاری کشیده می‌شود از این حیث با قاچاق زنان و کودکان شباهت

حاصل می‌شود. ب) همان‌طور که از اسمش پیداست در قاچاق اشخاص بیشتر زنان و کودکان موضوع جرم هستند در حالی که قاچاق مهاجران عمومیت دارد و حتی می‌توان ادعا کرد که بیشتر پسران و مردان جوانی که در آرزوی یک زندگی برتر، یافتن کار یا تحصیلات دانشگاهی و... هستند، مورد قاچاق واقع می‌شوند. ج) قاچاق اشخاص عمدتاً به منظور بهره‌برداری جنسی صورت می‌گیرد و بیشتر با تهدید و خشونت همراه است در حالی که در قاچاق مهاجران چنین وضعیت حادی به ویژه سوءاستفاده‌های جنسی وجود ندارد. به هر حال قاچاق مهاجران موضوع پروتکل جداگانه‌ای است و می‌تواند موضوع مقاله جداگانه‌ای باشد. در این نوشتار ما فقط به بررسی قاچاق اشخاص می‌پردازیم.

برخی از نویسندگان دامنه شمول این عنوان جزایی را خیلی گسترش داده و آن را شامل مواردی همچون ازدواج اجباری و ناخواسته دانسته‌اند. (Chang, 1999, pp. 321-346) به نظر می‌رسد در فرهنگ و حقوق کشورهایی مثل ایران که بر اساس تعالیم اسلامی و بر طبق قانون؛ ولی قهری می‌تواند نسبت به تزویج مولی علیه هر گونه که مصلحت بداند اقدام کند، چنین تفاسیری قابل پذیرش نباشد. در تفسیر مواد پروتکل نیز باید جانب احتیاط را رعایت کرد. به هر حال وضع قوانین مقتضی به هریک از دول متعاقد تفویض گردیده است.

اشخاص موضوع این جنایت، غالباً افراد فریب خورده‌ای هستند که از سرنوشت خود اطلاعی نداشته‌اند. از این رو ویژگی خاص این جنایت ضرورت حمایت از بزه دیدگان (قربانیان جرم) است.

در نحوه برخورد با قاچاق اشخاص (همچنین قاچاق مهاجران) باید جوانب مختلف امر در نظر گرفته شود. پاسخ به این عمل مجرمانه نمی‌تواند به اقدامات «سرکوبگرانه» محدود شود. این خطر وجود دارد که برخورد سرکوبگرانه به جای اینکه جلوی قاچاق اشخاص را بگیرد، به گسترش آن منجر شود. تصور می‌شود که با مجازات مجرمین مشکل حل می‌شود، ولی این برخورد یکجانبه معمولاً آثار چندجانبه‌ای از خود برجای می‌گذارد که برخی از این آثار عبارتند از: وابستگی بیشتر بزه‌دیدگان به مجرمین و فعالیت‌های مجرمانه، بزه‌دیدگی مضاعف و تغییر فحشاء به اشکال مخفیانه‌تر بهره‌برداری جنسی. (Van & Meese, 2000, p. 62)

علاوه بر آثار سوء قاچاق اشخاص بر قربانیان و نقض حقوق بشری آنان، بحث مهاجرت و

کنترل آن برای کشورهای مختلف مقصد اهمیت اساسی دارد به طوری که کنترل مهاجران خارجی در داخل این کشورها از سیاست‌های اساسی پیشگیری از جرم محسوب می‌گردد و حتی برخی آن را همسان با سیاست‌های پیشگیری از جرم تلقی نموده‌اند. این امر در ایجاد ثبات اجتماعی نیز واجد اهمیت اساسی است. ارتباط بین امنیت و مهاجرت از فرایند جهانی شدن اقتصاد، محدودیت بازار کار، توسعه سریع اقتصادهای سایه، همچنین بیکاری گسترده ناشی می‌شود که نتایج آنها در احساس ناامنی، انشقاق و نفرت نژادی و خشونت مبتنی بر تبعیض نژادی متجلی می‌گردد. با چنین فرایندهایی مقوله مهاجرت و نگرش به مهاجران (و اقلیت‌های بومی) تغییر می‌یابد؛ به طوری که مهاجران، اشخاص و گروه‌هایی تلقی می‌شوند که خطرات شدیدی در زمینه بی‌ثباتی و خشونت در جامعه میزبان و همچنین بهره‌برداری از امکانات کشورها و جوامع میزبان، خواه از طریق ترویج بازار خدمات و کالاهای نامشروع یا از طریق زندگی کردن در این جوامع با ارتکاب جرایم مالی، به وجود می‌آورند. (Albrecht, 2002, p. 12)

چون قاچاق زنان و دختران با مقاصد جنسی، غالباً از کشورهای جهان سومی به کشورهای پیشرفته، خصوصاً به کشورهای اروپایی صورت می‌گیرد، باید اقدامات مناسبی هم در کشورهای مبدأ و هم در کشورهای مقصد صورت بگیرد. این امر ضرورت همکاری و هماهنگی کشورهای مختلف را نشان می‌دهد.

برای ارائه یک راهکار مؤثر، برخی صاحب‌نظران بر اعمال یک سیاست اجتماعی و انجام اقدامات اداری تأکید کرده‌اند که خروج از کشور مبدأ و ورود بزه‌دیدگان بالقوه را به کشور مقصد برای گروه‌های جنایی سخت‌تر و پرهزینه‌تر کنند. در این زمینه، اقدام پیشگیرانه گسترده در کشورهای مبدأ بزه‌دیده ضروری است. (Aronowits, 2001, pp. 163-5)

برخی نویسندگان قاچاق اشخاص و شیوع ویروس‌ها و بیماری‌های آمیزشی را از آثار و ابعاد منفی جهانی شدن دانسته‌اند که کمتر مورد توجه واقع شده است. (Mameli, 2002, p. 69)

از این رو بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در کشور مقصد نقش اساسی در پیشگیری از قاچاق اشخاص دارد. چنانچه متقاضیان خدمات جنسی اشخاص قاچاق شده، بدانند که این افراد با نقض فاحش قواعد حقوق بشری به دولت مقصد وارد شده‌اند و آمیزش با آنها خطر ابتلاء به بیماری‌های مقاربتی از قبیل HIV/AIDS را به ارمغان می‌آورد، کمتر به چنین خطراتی روی

می‌آورند. (Mameli, 2002, pp. 74-5)

خشونت علیه زنان توسط مردان در محیط خانواده یا به هر نحو دیگر توسط محارم به خاطر فرهنگ، بستر اجتماعی و قوانینی که برتری مرد را تأیید می‌کنند، امری رایج است. با این حال، در خصوص زنان مهاجر و قاچاق شده عواملی وجود دارند که موجب می‌شوند شدت این امر در چندان شود و نهایتاً این عوامل زنان را بیشتر آسیب‌پذیر می‌کنند. یکی از این عوامل، زندگی کردن در دو فرهنگ مختلف و غالباً متناقض و همچنین زندگی در بستری است که آنها منزوی شده و بیگانه تلقی می‌شوند. مهم‌تر از همه اینکه این زنان بدون مدارک هویت هستند و حالت ناپایداری دارند و محدودیت‌های قانونی به آنان تحمیل می‌شود. (Raj and Silverman, 2002, p. 369) به علاوه، تحقیقات نشان داده است که زنان مهاجری که مورد تعرض واقع می‌شوند، کمتر از زنان غیرمهاجر در صدد تحصیل کمک‌های رسمی (مثل خدمات حقوقی و پزشکی) یا کمک‌های غیررسمی (مثل حمایت اجتماعی) برمی‌آیند و این امر بازهم آسیب‌پذیر بودن آنها را بیشتر می‌کند. (Raj and Silverman, 2002, p. 381)

اتحادیه اروپا راساً و همچنین دولت‌های عضو این اتحادیه منفرداً اقداماتی برای پیشگیری از قاچاق و ورود اشخاص انجام داده‌اند ولی این اقدامات به هیچوجه کافی نبوده و اقدامات اساسی باید برای تعقیب جدی قاچاقچیان و همچنین تدارک حمایت اجتماعی و حقوقی لازم از زنان موضوع قاچاق صورت بگیرد. (Johnson, 1999, p. 102)

سازمان ملل متحد از طریق ارکان مختلف خود ضمن محکوم نمودن مکرر برده‌داری و اعمال مشابه آن، در طول عمر خود اقدامات متعددی در این زمینه اتخاذ نموده است که بحث و بررسی تفصیلی آن از حوصله این نوشتار خارج است و در این زمینه می‌توان به منابع دیگر مراجعه نمود. (Lassen, 1988, pp. 197-227)

قوانین ملی اغلب کشورها - از جمله ایران - در خصوص برخورد با این عمل جنایی مقررات کافی ندارند و در سطح بین‌المللی نیز قواعد و مقررات کافی در این زمینه وجود نداشت. در اجلاس هفتم کمیسیون پیشگیری از جنایت و عدالت کیفری، آرژانتین تدوین یک کنوانسیون جدید علیه «قاچاق اطفال» را پیشنهاد کرد. جامعه بین‌المللی تصمیم گرفت این مفهوم را به «قاچاق اشخاص» گسترش دهد لیکن تأکید خاصی بر آسیب‌پذیری زنان و کودکان صورت

گرفت. به خاطر ارتباط خاص با جنایت سازمان یافته و ارتکاب قاچاق اشخاص توسط گروه‌های سازمان یافته؛ دولت‌های عضو تصمیم گرفتند سند مربوطه را به شکل یک پروتکل الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی تدوین و تنظیم کنند. پروتکل در سال ۲۰۰۰ آماده شد و به تصویب مجمع عمومی و همچنین به امضاء دولت‌ها در کنفرانس امضایی پالرمو رسید. تا واپسین روزهای سال ۲۰۰۲، تعداد ۱۱۷ دولت اقدام به امضاء و ۲۱ دولت اقدام به تصویب این پروتکل کرده‌اند. هرچند مندرجات این پروتکل هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند، ولی این سند بین‌المللی تحت عنوان «پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مکمل کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی» به عنوان جامع‌ترین دستوراد جامعه بین‌المللی در برخورد با قاچاق اشخاص، موضوع مطالعه ما در این نوشتار قرار می‌گیرد.

این پروتکل الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو)، ارتباط تامی با سند اخیر دارد. چون اولاً، فقط دول متعاقد کنوانسیون می‌توانند متعاقد این پروتکل باشند هرچند برای متعاهدین کنوانسیون، تصویب پروتکل‌ها جنبه اختیاری دارد. (ماده ۳۷ کنوانسیون) ثانیاً، بنا به صراحت ماده ۱، مندرجات این پروتکل با توجه به مندرجات کنوانسیون تفسیر و اجرا خواهند شد. ثالثاً، جرم تعریف شده در ماده ۵ این پروتکل به منزله جرم مندرج در متن کنوانسیون خواهد بود. بنابراین هر جا لازم باشد برای روشن شدن مطلب به مفاد کنوانسیون مراجعه خواهیم کرد.

به طور کلی در پروتکل الحاقی به کنوانسیون، دو دسته تمهیدات در برخورد با جنایت قاچاق اشخاص پیش‌بینی شده است؛ دسته اول اقداماتی در سطح ملی می‌باشند که هر یک از دولت‌های متعاقد عضو کنوانسیون و پروتکل ملزم هستند در سطح داخلی و ملی این تدابیر را با وضع مقررات خاص و سایر اقدامات به مرحله اجرا درآورند؛ دسته دوم اقداماتی در سطح بین‌المللی هستند که دولت‌های متعاقد ملزم به همکاری با یکدیگر در سطح بین‌المللی می‌شوند.

۲- اقدامات ملی

اقدامات ملی عمدتاً شامل جرم انگاری، اقدامات پیشگیرانه، اقدامات حمایتی و اقدامات آموزشی است. لذا این مباحث را به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) جرم‌انگاری

این پروتکل در صدد ایجاد تعهدات انعطاف‌ناپذیر برای دول متعاقد نیست؛ بلکه در صدد است دولت‌ها را ترغیب کند که حقوق داخلی خود را تا جایی که با اصول حقوق ملی خویش منطبق بدانند با مندرجات پروتکل - و نتیجتاً با حقوق داخلی سایر دولت‌ها - منطبق نمایند. از این رو به جای تعریف عنوان مجرمانه که سایر دولت‌ها ملزم به پذیرش آن باشند، تعریفی ارائه شده و دولت‌ها ملزم گردیده‌اند با وضع قوانین مقتضی عمل مزبور را در حقوق داخلی خود جرم انگاری کنند. ماده ۵ پروتکل در تعریف این عنوان جنایی تحت عنوان «جرم انگاری» مقرر می‌دارد:

۱- هر دولت متعاهدی چنین اقدامات قانون‌گذاری و سایر اقدامات ضروری برای جرم جنایی تلقی کردن رفتار مندرج در ماده ۳ این پروتکل را، وقتی به‌طور عمدی ارتکاب یابند، اتخاذ خواهد نمود.

۲- هر دولت متعاهدی همچنین چنین اقدامات قانون‌گذاری و سایر اقدامات لازم برای جرم جنایی تلقی کردن اعمال زیر را اتخاذ خواهد کرد:

(الف) طبق مفاهیم اساسی حقوق داخلی، شروع به ارتکاب جرم مقرر در بند ۱ این ماده؛

(ب) مشارکت در یک جرم مقرر در بند ۱ این ماده؛ و

(ج) سازماندهی و هدایت اشخاص دیگر به ارتکاب یک جرم مقرر در بند ۱ این ماده.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این ماده هیچ‌گونه تعریفی از ماهیت عمل مجرمانه ارائه نشده است؛ لیکن همان‌گونه که در بند ۱ این ماده هم اشاره شده است، برای تعریف این عنوان جنایی به ماده ۳ پروتکل تحت عنوان «استفاده از اصطلاحات» باید مراجعه نمود. این ماده این چنین تحریر یافته است:

از نظر این پروتکل:

www.SID.ir

(الف) «قاچاق اشخاص» به معنی استخدام کردن، اعزام، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن اشخاص است به وسیله تهدید یا توسل به زور یا اشکال دیگر اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوءاستفاده از قدرت یا سوء استفاده از وضعیت آسیب پذیری، یا با دادن یا گرفتن مبالغ یا منافع برای تحصیل رضایت شخصی که روی دیگری کنترل دارد؛ به منظور بهره‌برداری است. بهره‌برداری شامل حداقل بهره‌برداری از فحشای دیگران یا اشکال دیگر بهره‌برداری جنسی، کار یا خدمات اجباری، به بردگی گرفتن یا اعمال مشابه بردگی، استثمار یا استخراج اعضاء است؛

(ب) رضایت مجنی علیه قاچاق اشخاص در مورد بهره‌برداری موردنظر مقرر در بند (الف) این ماده وقتی که وسایل مزبور در آن بند به کار رفته باشند، ارزشی نخواهد داشت؛

(ج) استخدام، ارسال، انتقال، پناه دادن یا تحویل گرفتن یک کودک به منظور بهره‌برداری «قاچاق اشخاص» تلقی خواهد شد، حتی اگر متضمن هیچ یک از طرق مندرج در بند (الف) نباشد.

(د) «کودک» به معنی شخص زیر هجده سال خواهد بود.

اشخاصی که موضوع قاچاق و سپس بهره‌برداری و سوء استفاده واقع می‌شوند، غالباً با نوعی اجبار یا اکراه و تهدید و یا به طرق متقلبانه و خدعه‌آمیز تن به خواسته‌های قاچاقچیان می‌دهند و پس از اینکه به کشور مقصد فرستاده می‌شوند؛ اگرچه تحت استثمار قاچاقچیان و همدستان آنان می‌باشند، ولی به خاطر اینکه در کشور مربوطه غریب و فاقد پشتوانه مالی و اجتماعی می‌باشند، لذا ترجیح می‌دهند به خواسته‌های قاچاقچیان و استثمار کنندگان خود، تمکین نموده و نه تنها نزد مقامات محلی شکایت نکنند بلکه در صورت تعقیب نیز ترجیح می‌دهند تهدیدات، فشارها و فریب‌های به کار رفته را مکتوم نمایند تا حداقل تحت حمایت قاچاقچیان باشند. متقابلاً قاچاقچیان نیز با علم و آگاهی از چنین وضعیتی و با امید به اینکه اشخاص موضوع قاچاق متعاقباً با آنان همکاری خواهند نمود، با آرامش خاطر بیشتری مرتکب قاچاق اشخاص می‌شوند. برای اینکه جلوی چنین سوءاستفاده‌هایی گرفته شود در این ماده پیش‌بینی شده است که اگر توسل به تهدید یا توسل به زور یا اشکال دیگر اجبار، ربودن، تقلب یا فریب، اغفال، سوءاستفاده از قدرت یا سوءاستفاده از وضعیت آسیب پذیری، یا سوءاستفاده از دریافتن پرداختی‌ها یا منافع برای تحصیل رضایت توسط شخصی که روی دیگری کنترل دارد؛

صورت بگیرد، رضایت بعدی مجنی علیه بی‌اثر است.

مقصود تدوین کنندگان پروتکل از سوءاستفاده از وضعیت آسیب پذیری بیان وضعیت بوده است که شخص مربوطه هیچ راه جایگزین واقعی و قابل قبولی به جز تسلیم به سوءاستفاده مربوطه نداشته باشد. (UN.Doc. A/55/383/Add.1., p. 12)

این پروتکل فقط زمانی شامل «بهره‌برداری از فحشای دیگران و سایر اشکال بهره‌برداری جنسی» می‌شود که این اعمال در قالب قاچاق اشخاص صورت گرفته باشند. بنابراین اگر صرفاً بهره‌برداری جنسی صورت بگیرد بدون اینکه قاچاقی در بین باشد، نمی‌توان این پروتکل را حاکم دانست. عبارات «بهره‌برداری از فحشای دیگران» و «سایر اشکال بهره‌برداری جنسی» در این پروتکل تعریف نشده‌اند تا خللی به مقررات داخلی کشورها وارد نشود و هر کشوری به صلاحدید خود مقررات مقتضی وضع و اجرا نماید. (UN.Doc. A/55/383/Add.1., p. 12)

استخراج اعضای کودکان با رضایت ولی یا قیم به دلایل مشروع پزشکی یا درمانی نباید بهره‌برداری تلقی شود. لیکن اگر فرزند خواندگی غیرقانونی منجر به رفتار و رویه‌ای شبیه برده‌داری شود، مشمول این سند خواهد بود. (UN.Doc. A/55/383/Add.1., p. 12)

در کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی تأکید شده است که مسموع نبودن استناد به رضایت قربانیان در صورت توسل به وسایل مصرحه؛ به معنی محدود نمودن حق دفاع متهمین یا مخدوش کردن اصل برائت نیست. در عین حال نباید بار اثبات را به دوش مجنی علیه گذاشت؛ بلکه مثل هر قضیه کیفی، بار اثبات طبق حقوق داخلی به عهده دولت یا مقام تعقیب (دادسرا) است. (UN.Doc. A/55/383/Add.1., p. 12)

وضعیت اطفال و کودکان (افراد زیر هجده سال تمام) نیز از این قاعده تبعیت می‌کند با این تفاوت که چون شخص صغیر جزء محجورین محسوب می‌گردد و نمی‌تواند خوب و بد را از هم تشخیص داده و اعلام اراده نماید لذا عدم رضایت کودکان در تمام مواردی که موضوع قاچاق واقع می‌شوند، مفروض تلقی می‌گردد.

مطابق ماده ۴ قاچاق اشخاص زمانی مشمول تمهیدات مقرر در این پروتکل خواهد بود که ماهیتاً فراملی بوده و توسط گروه سازمان یافته جنایتکارانه ارتکاب یابد. «گروه جنایتکارانه سازمان یافته» به معنی یک گروه واجد ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای

مدت زمانی موجودیت می‌یابد و هماهنگ با هدف ارتکاب یا چند جنایت شدید یا جرایم مربوطه به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک نفع مالی یا نفع مادی دیگر فعالیت می‌کند. (بند الف ماده ۲ کنوانسیون پالمو) بنابراین اگر این عمل مجرمانه توسط افراد متفرق یا بدون انگیزه مالی یا مادی (برای مثال به منظور انتقامجویی) ارتکاب یابد مشمول این پروتکل نخواهد بود.

اما اینکه در چه صورتی جنایت ارتکابی، «فراملی» محسوب می‌شود در بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون پالمو بیان شده است. به موجب این بند یک جرم در صورتی ماهیتاً فراملی تلقی می‌گردد که: الف) در قلمرو بیش از یک دولت ارتکاب یابد؛ ب) در قلمرو یک دولت ارتکاب یابد ولی بخش مهمی از مقدمات، طرح ریزی، هدایت یا کنترل آن در دولت دیگری صورت پذیرد؛ ج) جرم در قلمرو یک دولت ارتکاب یابد ولی در ارتکاب آن یک گروه جنایتکارانه سازمان یافته دخیل باشد که در سرزمین بیش از یک دولت به فعالیت اشتغال دارد؛ یا د) جرم در قلمرو یک دولت ارتکاب یابد ولی آثار اساسی آن در دولت دیگری بروز کند.

در این بند، چهار مورد به عنوان ملاک «فراملی» بودن جنایت تلقی شده‌اند. اگر به رکن مادی جرم توجه شود فقط مورد اول به‌طور واقعی و عینی در بیش از یک کشور واقع شده است. در حقوق کیفری بین‌المللی و در قوانین جزایی ملی بیشتر کشورها مورد چهارم نیز پذیرفته شده است؛ یعنی اگر صرفاً اثر جرمی در کشور دیگری بروز کند، کشور مربوطه می‌تواند جرم مزبور را ارتکاب یافته در سرزمین خود تلقی نموده و نسبت به تعقیب مرتکبین - ولو اینکه اصل جرم در خارج از کشور رخ داده باشد - اقدام نماید. این مفهوم را در حقوق کیفری ایران در ماده (۴) قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت که مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است.»

بند ب مذکور در یک نگاه دو دسته افعال را شامل می‌شود: اول تهیه و تدارک مقدمات ارتکاب جرم است که در حقوق داخلی اصولاً فاقد وصف جزایی است. دسته دوم که در واقع رکن معنوی جرم را شامل می‌شود و مداخله‌ای در عملیات اجرایی جرم صورت نمی‌پذیرد، ماهیتاً ماهیتاً در جرم محسوب می‌گردد. ولی بندهای ب و ج را باید با توجه به سازمان یافته

بودن این گروه‌ها ارزیابی کرد. اشخاص به اعتبار عضویت در این گروه‌ها دارای حقوق و تکالیف خاصی می‌گردند و به‌عنوان عضو یک گروه عمل می‌کنند و پرواضح است که اگر ارزیابی «فراملی بودن» و «تحقق جرم» مبتنی بر عملکرد تک‌تک اعضای گروه صرف‌نظر از گروه باشد، هرگز نباید صحبت از جنایت «فراملی و سازمان یافته» کرد. زیرا اگر هم فعالیت شخصی منفرد بتواند جنبه فراملی پیدا کند هرگز نمی‌تواند سازمان یافته به معنی اصطلاحی باشد.

قاچاق اشخاص به گونه‌ای که در پروتکل تعریف شده است متفاوت از قاچاق جنسی است. قاچاق اشخاص شامل فعالیت‌هایی است که متضمن فریب یا اجبار هستند در حالی که قاچاق جنسی به معنی هرگونه عملی است که متضمن یک عمل جنسی تجاری (مثل فحشاء) باشد.

ب) اقدامات پیشگیرانه

در این زمینه ضمن اینکه یکی از مواد پروتکل به «پیشگیری از قاچاق اشخاص» (ماده ۹ پروتکل) اختصاص یافته است، در سایر مواد نیز حسب اقتضاء به موارد دیگری از پیشگیری اشاره شده است.

۱) اقدامات پیشگیرانه به معنی اخص

در تمهیدات پیشگیرانه پروتکل به هر سه مرحله پیشگیری از جرم توجه شده است.^۱ از طرفی دولت‌های متعاقد ملزم شده‌اند که با اتخاذ اقدامات تحقیقاتی و اطلاعاتی و با استفاده از رسانه‌های جمعی و ابتکارات اجتماعی و اقتصادی از قاچاق اشخاص پیشگیری بکنند که در این راستا و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خویش در صورت اقتضاء با سازمان‌های غیردولتی و سایر نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط همکاری خواهند نمود. (بندهای ۲ و ۳ ماده ۹)

دولت‌های متعاقد از طریق همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه و سایر اقدامات مقتضی درصدد از بین بردن عواملی برخوردار خواهند آمد که اشخاص به ویژه زنان و کودکان را در قبال قاچاق آسیب‌پذیر می‌کنند. از جمله این عوامل می‌توان به فقر، توسعه نیافتگی و فقدان فرصت‌های

۱- در خصوص مفهوم مراحل سه گانه پیشگیری رک: نجفی ابرنآباد، بهار، تابستان ۷۸، صص ۹-۱۳۵.

برابر در جامعه برای افراد اشاره نمود. (بند ۴ ماده ۹) دولت‌های متعاقد در زمینه‌هایی مثل مسائل آموزشی، اجتماعی یا فرهنگی اقدامات قانون‌گذاری اتخاذ خواهند کرد تا زمینه‌های بهره‌برداری از اشخاص به ویژه زنان و کودکان را که نهایتاً به قاچاق آنان منجر می‌شود، از بین ببرند. (بند ۵ ماده ۹)

از سوی دیگر دولت‌های متعاقد ملزم گردیده‌اند از قربانیان و بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان حمایت کنند تا نامبردگان مجدداً مورد قاچاق قرار نگیرند. اگرچه در مرحله سوم پیشگیری بیشتر به تکرار جرم از طریق بازپروری و اصلاح مجرمین توجه می‌شود، ولی هدف نهایی پیشگیری از تکرار جرم است که در اینجا با حمایت از بزه‌دیدگان از تکرار جرم جلوگیری می‌گردد.

۲) کنترل و ایمنی اسناد

یکی از شیوه‌های رایج گروه‌های جنایی برای قاچاق افراد و مهاجران و همچنین قاچاق کالاها، جعل اسناد و اوراق مختلف و استفاده از این اسناد مجعول است. جعل اسناد با پیشرفت‌های حاصله در فنون کامپیوتر و چاپ با سهولت بیشتری انجام می‌شود. (Bruggeman, 2002, p. 76) از این رو نوع دیگری از اقدامات پیشگیرانه که البته تحت عنوان «ایمنی و کنترل اسناد» (ماده ۱۲ پروتکل) در پروتکل پیش‌بینی شده است به کیفیت، اعتبار و غیرقابل جعل بودن اسناد تکیه نموده است. این تدابیر ماهیتاً اقدامات پیشگیرانه‌ای هستند که می‌توانند از قاچاق اشخاص جلوگیری به عمل آورند. دولت‌های متعاقد ملزم گردیده‌اند که تضمین کنند اسناد مسافرت یا اسناد هویت صادره از جانب آنها از چنان کیفیتی برخوردارند که نمی‌توانند به سادگی مورد سوءاستفاده قرار گیرند و به راحتی قابل جعل نیستند و به‌طور غیرقانونی نمی‌توان نظیر آنها را صادر یا تکثیر نمود یا محتوای آنها را تغییر داد. همچنین دولت‌های متعاقد ملزم به پیشگیری از ایجاد، صدور و استفاده غیرقانونی از این اسناد گردیده‌اند. (بند الف ماده ۱۲ و بند ب ماده ۱۳) عبارت «جعل شدن یا به‌طور غیرقانونی تغییر یا تکثیر یا صادر شدن» باید به گونه‌ای تفسیر شود که نه تنها شامل ایجاد اسناد قلابی شود، بلکه همچنین پر کردن اسناد سفید مسروقه را شامل گردد. آنها باید همچنین بیانگر این امر باشند که قصد تدوین کنندگان، هم شامل اسنادی

بوده که جعل شده‌اند و هم اسناد واقعی که به طور معتبر صادر شده‌اند ولی توسط شخصی غیر از دارنده قانونی آن مورد استفاده قرار گرفته باشند. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 15)

از سوی دیگر دولت‌های متعهد ملزم گردیده‌اند به موقع عبور از مرزها نظارت لازم بر اسناد و هویت اشخاصی که از مرزها عبور می‌کنند، داشته باشند. با این کار هم از ارتکاب جنایت قاچاق اشخاص پیشگیری می‌شود و هم - در صورت مؤثر واقع نشدن پیشگیری - حداقل به کشف این جرایم و کمک به دولتی که اشخاص به سرزمین آن وارد شده‌اند منجر می‌شود. در این راستا دولت‌های متعهد ملزم گردیده‌اند تا حد ممکن از سوءاستفاده اسناد تردد که توسط متصدیان حمل و نقل تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد با وضع قوانین مقتضی جلوگیری به عمل آورند. بدیهی است در این زمینه دولت‌های متعهد بدون خدشه به کنوانسیون‌های بین‌المللی قابل اجرا، در صورت اقتضاء می‌توانند برای متصدیان حمل و نقل تجاری تعهداتی ایجاد کنند که اسناد مسافرت مسافران خود را بازرسی نموده و صحت آن را تصدیق کنند. هر یک از دولت‌های عضو در جهت مجازات ناقضین این تعهدات مقررات لازم را وضع خواهند نمود. (ماده ۱۱ پروتکل)

باید توجه کرد که اقدامات و ضمانت اجراهای قابل اجرا مطابق این بند، باید با رعایت سایر تعهدات بین‌المللی دولت متعهد مربوطه اجرا شوند. همچنین باید توجه شود که حسب این ماده، دولت‌های متعهد ملزم می‌شوند فقط تعهدی بر متصدیان حمل و نقل عمومی ایجاد کنند که مشخص نماید، آیا مسافران اسناد ضروری برای مسافرت را دارند یا خیر، و در خصوص اعتبار یا سلامت اسناد هیچ‌گونه قضاوت یا ارزیابی نداشته باشند. به‌علاوه، باید توجه شود که این ماده در صدد اعمال تعهدی بر دولت‌ها نیست که صلاحیت آنها را در مورد مسئول شناختن متصدیان حمل و نقل آوارگان فاقد اسناد حمل و نقل، محدود کند. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 15)

بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص ممکن است به سرزمین دولتی به طور قانونی وارد شوند تا بعداً مورد بهره‌برداری قرار گیرند در حالی که در مورد قاچاق مهاجران استفاده از وسایل غیر قانونی ورود بیشتر رواج دارد. این امر ممکن است برای متصدیان عمومی حمل و نقل اجرای اقدامات پیشگیرانه را در مورد قاچاق اشخاص نسبت به قاچاق مهاجران سخت‌تر کند که در اقدامات قانون‌گذاری یا سایر

اقدامات مربوطه این امر باید ملحوظ گردد. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 14)

۳) آموزش کارکنان

برای پیشگیری از ارتکاب جنایات قاچاق اشخاص به پرسنلی آموزش دیده و مجهز به فنون روز نیاز است تا هم شیوه‌های پیشگیری از این جنایات را بدانند و هم در خصوص تعقیب مرتکبین و برخورد با بزه‌دیدگان اطلاعات کافی داشته باشند. همچنین اشخاص مسئول پیشگیری و تعقیب این جرایم باید به مسائلی که برای کودکان یا برای جنس خاصی (به ویژه زنان) حساس هستند، آشنایی داشته باشند و بتوانند همکاری‌های خوبی با سازمان‌های غیردولتی و دیگر سازمان‌ها یا نهادهای مؤثر اجتماعی ایجاد کنند. (بند ۲ ماده ۱۰) بدیهی است آموزش در زمینه‌های فوق فقط به پیشگیری محدود نمی‌شود؛ بلکه همچنین شامل تعقیب و کشف جرم و حتی مراحل رسیدگی (از جمله رعایت حقوق بزه‌دیدگان) می‌شود. ولی با توجه به اهمیت پیشگیری و تأکیدی که در صدر این مقرر در خصوص پیشگیری شده است، آوردن این مبحث را در اقدامات پیشگیرانه مناسب دانستیم.

ج) اقدامات حمایتی

به خاطر موقعیت ضعیف و آسیب پذیری بزه‌دیدگان، در پروتکل اقدامات حمایتی مختلفی برای صیانت از آنان پیش‌بینی شده است. قصد تدوین‌کنندگان پروتکل از پیش‌بینی اقدامات حمایتی این بوده که دولت‌های مبدأ و مقصد هر دو به اقدامات حمایتی مزبور ملتزم گردند. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 13) این تمهیدات را می‌توان به اقدامات حمایتی قضایی، پزشکی، روانی و مادی، اجتماعی و امنیتی دسته‌بندی کرد. بدیهی است چون هریک از اقدامات مزبور متضمن وجود قانون مناسب در همان زمینه است، لذا اقدامات تقنینی سرمنشاء تمام اقدامات مزبور است. از این رو در تمام موارد تدابیر تقنینی ملحوظ است و از ذکر آن به طور مستقل اجتناب می‌کنیم.

۱) اقدامات حمایتی قضایی

در این زمینه برای حمایت از بزه دیده دو نوع اقدام حمایتی پیش‌بینی شده است: الف) اطلاع‌رسانی و معاضدت حقوقی: در این خصوص دولت‌های متعاقد تضمین خواهند کرد که حسب قوانین داخلی و سیستم اداری خود، برای بزه‌دیدگان قاچاق‌اشخاص، اطلاعات مربوط به دادگاه ذیصلاح و فرایند اداری برای احقاق حق، تدارک دیده شده است. (بند ۲ الف ماده ۶) از سوی دیگر، با توجه به اینکه غالب اشخاص بزه‌دیده اطلاعات حقوقی کافی و امکانات لازم برای دفاع از حقوق خود ندارند، لذا معاضدت حقوقی و دادن اطلاعات لازم به آنان در خصوص حقوق قانونی خود به زبانی که برای آنان قابل فهم باشد، پیش‌بینی شده است. (بند ۳ ب) ماده ۶)

ب) دخالت در فرایند رسیدگی کیفری: چون بزه‌دیده موضوع جنایت واقع شده است، لذا دخالت وی در فرایند رسیدگی کیفری، هم می‌تواند کشف جرم را هموار کند و هم منجر به احقاق حقوق شخص بزه‌دیده به نحو بهتری شود. از این‌رو در پروتکل پیش‌بینی شده است که با وضع قوانین مقتضی بزه‌دیده بتواند نقطه نظرات و دل‌نگرانی‌های خود را در مراحل مختلف رسیدگی کیفری علیه مجرمین ابراز کند. این امر نباید به حق دفاع متهم خللی وارد کند. (بند ۲ ب) ماده ۶)

۲) کمک‌های پزشکی، روانی و مادی

بزه‌دیدگان جنایت قاچاق اشخاص معمولاً مورد آزاد و اذیت شدید جسمی، جنسی و روحی و روانی قرار می‌گیرند. لذا نیاز به کمک‌های مختلف - چه از نظر جسمانی و چه از نظر روانی و عاطفی - دارند. همچنین با توجه به اینکه نامبردگان در صورت عدم تمکین از خواسته‌های قاچاقچیان، هیچ‌گونه منبع درآمدی ندارند، لذا به کمک مادی دولت محل پذیرش نیاز مبرم پیدا می‌کنند. از این‌رو، در پروتکل لزوم ارائه کمک‌های پزشکی، روانی و مادی به آنان از جانب دولت‌های متعاقد پیش‌بینی شده است. (بند ۳ ج) ماده ۶)

۳) حمایت اجتماعی (اشتغال و امکانات آموزشی و تربیتی)

اشخاص قاچاق‌شده که غالباً در موقعیت اجتماعی ضعیفی هستند، اگر مورد حمایت قرار

نگیرند مجدداً در معرض جنایات مختلف قرار خواهند گرفت. از این رو در پروتکل پیش‌بینی شده است که دولت‌های متعاقد نسبت به استخدام، آموزش و ایجاد فرصت‌های تربیتی برای آنان تدابیر لازم بیندیشند. (بند ۳ (د) ماده ۶) همچنین در خصوص اسکان نامبردگان توجه کافی مبذول دارند تا نامبردگان بتوانند به زندگی عادی برگردند.

۴) حمایت امنیتی

موقعیت اجتماعی بزه‌دیدگان نسبت به جنایتکاران بسیار نابرابر و ضعیف است. چنانچه اقدامات حمایتی لازم از آنان صورت نگیرد، چه بسا هرگز جرأت شکایت و اعلام جرم پیدا نکنند. برخلاف قواعد آئین دادرسی کیفری در جرایم عمومی و عادی، اقتضای این جنایات مستلزم آن است که در مواردی هویت و مشخصات شاکی و اعلام‌کننده جرم (که در عین حال بزه دیده است) به جنایتکاران اعلام نشود و این امر محرمانه بماند تا قاچاقچیان در صدد انتقامجویی برنیایند و بزه‌دیدگان هرگز در اعلام جرم به خود تردید راه ندهند. از این رو پیش‌بینی شده است تا حدی که حقوق داخلی هریک از کشورهای متعاقد اجازه دهد هر دولت متعاقدی اسرار و هویت بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص را حفظ کند و از علنی کردن اقدامات قانونی در این زمینه اجتناب نماید. (بند ۱ ماده ۶ پروتکل)

۵) اقدامات بین‌المللی

علاوه بر اقدامات ملی، دولت‌های متعاقد ملزم گردیده‌اند که در سطح بین‌المللی در جهت مبارزه با قاچاق اشخاص همکاری کنند. به طور کلی این همکاری‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: الف) تبادل اطلاعات؛ ب) تصدیق اعتبار اسناد هویت یا مسافرت؛ ج) برگرداندن شخص قاچاق شده به دولت مبدأ.

الف) تبادل اطلاعات

مبادله اطلاعات بین دولت‌های متعاقد خصوصاً دولت مبدأ و دولت مقصد در زمینه‌های مختلف می‌تواند بعضاً به پیشگیری و عمدتاً به کشف جرم کمک کند. از این رو دولت‌های

متعاقد ملزم شده‌اند تا از طریق مراجع اجرای قانون یا مرجع مهاجرت خود با یکدیگر تبادل اطلاعات کنند تا بتوانند در احراز موارد ذیل موفقیت حاصل کنند: الف) اینکه آیا اشخاصی که با اسناد مسافرت مربوط به اشخاص دیگر، یا بدون هیچ‌گونه سند مسافرتی، در حال عبور از مرز بین‌المللی هستند یا عبور کرده‌اند، مرتکبین قاچاق اشخاص هستند یا بزه دیدگان این جنایت. ب) نوع سند مسافرتی که اشخاص به کار برده‌اند یا در صدد استفاده از آن هستند تا به منظور قاچاق اشخاص از یک مرز بین‌المللی عبور کنند. ج) سایر شیوه‌های مورد استفاده توسط گروهک‌های جنایی سازمان یافته به منظور قاچاق اشخاص شامل وارد کردن و اعزام بزه‌دیدگان، مسیرهای مورد استفاده و روابط فی‌مابین اشخاص و گروه‌های مرتکب چنین قاچاقی و اقدامات ممکن برای کشف آنها. (بند ۱ ماده ۱)

ب) تصدیق اعتبار اسناد

اعتبار هر سندی توسط مرجع صادر کننده همان سند قابل احراز است. در حقوق داخلی - که اسناد صادره در همان کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند - اصولاً مشکل خاصی در زمینه احراز اعتبار سند پیش نمی‌آید. ولی وقتی جنایات ارتكابی بعد فراملی به خود می‌گیرند، در صورت عدم همکاری دولت‌ها با یکدیگر، قاچاقچیان به راحتی از خلاء موجود استفاده و نسبت به جعل اسناد و سوءاستفاده از اسناد معتبر صادره از مراجع سایر دول اقدام خواهند کرد. از این‌رو پیش‌بینی شده است که هر دولت متعاهدی، بنا به درخواست دولت متعاقد دیگر، طبق حقوق داخلی خود در ظرف مدت معقولی قانونی بودن و اعتبار اسناد مسافرت یا هویت صادره به نام آن دولت را که در سرزمین دولت متعاقد دیگری مورد سوءظن در جهت استفاده از قاچاق اشخاص هستند، بررسی و تصدیق خواهد نمود. (ماده ۱۲)

ج) برگرداندن قربانیان قاچاق به موطن خویش

اشخاص قاچاق شده خود قربانیان جرم می‌باشند که یا در اثر تهدید و اجبار و یا در اثر فریب در طعمه قاچاقچیان گرفتار شده‌اند و پس از رسیدن به کشور مقصد و ملاحظه وضعیت خویش از حضور در کشور مقصد ناراضی و آزرده هستند. تداوم حضور نامبردگان در کشور مقصد،

صرف نظر از آثار و عواقب آن برای کشور اخیر، زیان‌های غیر قابل جبرانی را به خود این اشخاص بزه دیده وارد می‌کند. لذا بهترین نوع مقابله با این امر و به حداقل رساندن آثار جنایات ارتكابی، برگرداندن اشخاص قاچاق شده به کشور مبدأ خود است. منظور از کشور مبدأ کشوری است که شخص تابع آن است یا حق اقامت یا سکونت به طور مستمر در سرزمین آن دولت را داشته است.

در ماده ۸ پروتکل، پیش‌بینی شده است که دولت متبوع شخص قاچاق شده یا دولتی که شخص حق سکونت دائم در سرزمین آن را در زمان ورود به سرزمین دولت مقصد داشته، بازگشت شخص مورد نظر را بدون تأخیر ناروا یا غیر منطقی، با رعایت کامل امنیت آن شخص در اسرع وقت خواهد پذیرفت. (بند ۱ ماده ۸) وقتی دولت متعاهدی بزه دیده قاچاق اشخاص را به یک دولت متعاهدی که دولت متبوع شخص است یا دولتی است که در زمان ورود شخص به سرزمین دولت متعاهد، شخص حق سکونت دائم در سرزمین آن را داشته، اعزام می‌کند، دولت مزبور به امنیت و سلامت شخص قاچاق شده توجه کامل خواهد نمود. همچنین در خصوص هرگونه اقدامات حقوقی مربوط، به این حقیقت توجه خواهد کرد که شخص، مجنی علیه قاچاق بوده است. چنین بازگشتی ترجیحاً اختیاری خواهد بود. (بند ۲ ماده ۸) عبارت «ترجیحاً اختیاری خواهد بود» به این منظور تدوین شده است که هیچ‌گونه تعهدی بر دولت متعاهدی که بزه‌دیدگان را برمی‌گرداند، تحمیل نکند. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 14)

بنا به درخواست دولت پذیرنده، دولت طرف درخواست بدون تأخیر غیر منطقی بررسی و تصدیق خواهد نمود که آیا شخص قاچاق شده از توابع یا ساکنین دائمی آن کشور هست یا خیر؟ (بند ۳ ماده ۸) منظور تدوین‌کنندگان این بوده که بازگشت بزه‌دیدگانی که دولتی بازگشت آنها را درخواست کرده است، بدون اینکه تابعیت یا حق سکونت آنها احراز شود، عملی نخواهد شد. (UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 14)

بدیهی است برای تسهیل و تسریع بازگشت بزه دیده، دولت متبوع شخص یا دولت محل سکونت دائم، به درخواست دولت مقصد اسناد مسافرت یا سایر اسناد لازم که اجازه بازگشت وی را به سرزمین این دولت بدهد، صادر خواهد نمود. (بند ۴ ماده ۸)

عبارت «سکونت دائم» در این ماده به معنی سکونت طولی‌المدت است. لیکن ضرورتاً لازم

نیست سکونت نامحدود و نامعین باشد. این بند هیچ‌گونه خللی به قوانین داخلی کشورها خواه در مورد اعطای حق سکونت یا در خصوص مدت سکونت وارد نخواهد کرد.
(UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 13)

تعهدات ناشی از این ماده خللی به موافقت‌نامه‌های دو جانبه یا چندجانبه که به‌طور کلی یا جزئی در خصوص بازگرداندن بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص قابل اجرا هستند، وارد نخواهد کرد. (بند ۶ ماده ۸) همچنین منظور تدوین‌کنندگان این بوده که تعهد مندرج در این بند خللی به تعهدات ناشی از حقوق بین‌المللی عرفی در مورد بازگشت مهاجران وارد نکند.
(UN.Doc.A/55/383/Add1, p. 14)

نتیجه‌گیری

قاچاق اشخاص از قلمرو یک دولت به دولت دیگر به منظور سوءاستفاده از آنان برای تحصیل منافع مادی گسترش قابل توجهی یافته است. ارتکاب این جنایت هم حقوق بشری قربانیان (شامل حق حیات، کرامت انسانی و ...) را نقض می‌کند، هم با ترویج فحشاء به اصول اخلاقی خلل وارد می‌کند، هم از نظر بهداشتی موجب ورود و شیوع برخی بیماری‌های آمیزشی می‌شود و هم به نظم عمومی و سیستم اقتصادی جوامع خلل وارد می‌کند. آنچه مسلم است امروزه قاچاق افراد به منظور بهره‌برداری در سطح بین‌المللی عملی غیرقانونی و جنایی محسوب می‌گردد و جزء جنایات مرتبط با برده‌داری تلقی می‌شود که عرف بین‌المللی نیز آن را یک جنایت بین‌المللی می‌داند. (Bassiouni, 1991, pp. 446-9)

نظر به اینکه این جنایت غالباً توسط گروه‌های جنایی سازمان یافته و در بعد فراملی ارتکاب می‌یابند لذا سندی به عنوان پروتکل الحاقی به کنوانسیون ملل متحد تهیه و در دسامبر ۲۰۰۰ به همراه کنوانسیون به امضاء رسید. اهداف اساسی این پروتکل ارتقاء همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها در پیشگیری و مبارزه قاچاق اشخاص به بذل توجه خاص به زنان و کودکان از یک سو و حمایت از بزه‌دیدگان و قربانیان این جنایت و لزوم اعطای کمک‌های لازم از سوی دیگر است. در پروتکل - همچون خود کنوانسیون پالمو - سعی شده است به دولت‌های متعاقد آزادی عمل بیشتری در نحوه اجرای تعهدات خود داده شود تا با حاکمیت دولت‌ها تعارضی حاصل

نشود و دولت‌ها در تصویب آن به خود تردید راه ندهند. با این حال بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نه این پروتکل را تصویب کرده‌اند و نه قوانین مناسب در برخورد با قاچاق اشخاص توسط سازمان‌های جنایی وضع کرده‌اند؛ این در حالی است که همه کشورها - چه توسعه یافته و چه در حال توسعه - کم‌وبیش با این جنایت روبه‌رو هستند. تصویب این پروتکل - به تبع تصویب کنوانسیون - و تدوین قوانین مقتضی برای جمهوری اسلامی ایران قابل توصیه است.

کتابنامه:

- ۱- علی حسین، نجفی ابرندآبادی، (۱۳۷۸)، *پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی*، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۶-۲۵.
- 1- Albrecht, Hans-Jorg, (2002), *The UN Transnational Crime Convention: An Introduction, The Containment of Transnational Organized Crime*, Hans-jorg Albrecht and Cyrille Fijnaut (eds.) Freiburg i. Br.
- 2- Aronowits, A.A., (2001), *Smuggling and Trafficking in human Beings: The Phenomenon, The Markets That Drive It and The Organizations That Promote It*, European Journal on Criminal Policy and Research, vol. 9.
- 3- B. de Ruver, K. Van Impe & J. MEESE, (2000), *The need for a multidisciplinary and proactive approach to human trafficking. Reflections from two pilots*, Cross-border crime in a changing Europe, P. C. Van Duyn, V. Ruggiero, M. Scheinost & W. Valkenburg (eds.) Prague.
- 4- Bassiouni, Cherif M., (1991), *Enslavements as an International Crime*, 23 New York University Journal of International Law and Politics.
- 5- Bruggeman, Willy, (2002), *The fight against organised crime: Possibilities, Problems and opportunities, with a special focus on the EU*, The Containment of Transnational Organized Crime, Hans-jorg Albrecht and Cyrille Fijnaut (eds) Freiburg i. Br.
- 6- Chang, Lois, (1999), *Trafficking in Women*, Women and International Human Rights Law, vol. 1, Askin and Koenig (editors), New York: Transnational

Publishers Inc.

- 7- Crossette, Barbara, (2000), *People trafficking on rise, warns UN*, New York Times.
- 8- Johnson, Dianne, (1999), *Trafficking of Women into the European Union*, 5 New England Journal of International and Comparative Law Annual.
- 9- Lassen, Nina, (1988), *Slavery and Slaverylike Practices: United Nations Standards and Implementation*, Nordic Journal of international Law, vol. 57.
- 10- Mameli, Peter A., (2002), *Stopping the illegal trafficking of Human beings*, Crime Law & Social Change, vol.38.
- 11- Raj, Anita and Jay Silverman, (2002), *Violence Against Immigrant Women*, Violence Against Women, vol. 8, No. 3, March.
- 12- U.N. Doc. A/55/383/add.1, Interpretative notes for the official records (travaux preparatoires) of the negotiation of the Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime.
- 13- <http://untreat.un.org/ENGLISH/bible/englishinternetbible/part/chapter XVIII/treaty13asp>
- 14- [http://www.odccp.org/trafficking protocol background. html](http://www.odccp.org/trafficking_protocol_background.html), *Trafficking in persons: The New Protocol*.